

چهارشنبه ۱۴۰۰۰۲۰۰۸

۱۵ رَمضان ۱۴۴۲ / ۲۸ آوریل ۲۰۲۱

سال چهارم

شماره ۹۹۸

جستار

فایل صوتی ظرفی، شفاف‌سازی و فرصت‌های پیش‌رو



محمدعلی سبحانی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

هر چند انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی آقای لیلار و دکتر ظرفی در چارچوب پروژه تاریخ شفاهی دولت‌های جمهوری اسلامی انجام شده‌است و آقای ظرفی و مصاحبه‌کننده بارها تکرار کرده‌اند که این صحبت‌ها برای ثبت در تاریخ است و قاعدتاً باید در اسناد باپگانی‌شده نگهداری شود اما امروز با انتشار این گفت‌وگو مواجه هستیم؛ به حالی که یقیناًانتشار این مطالب به قانونی است و نه اخلاقی، وزیر امور خارجه در این گفت‌وگو بارها تأکید کرده‌این سخنان جهت انتشار نیست و طبیعتاً ممکن نیست که نهاد ریاست جمهوری این فایل را منتشر کرده باشد.اگر چنانچه قصد انتشار این گفت‌وگو وجود داشت به شکل دیگری منتشر می‌شد.بنابراین، به‌طور اصولی نهاد ریاست جمهوری و ظرفی از انتشار این فایل مبرا هستند. اما در خصوص انتشار این گفت‌وگو چند نکته وجود دارد که عدم پاسخگویی به این نکات و عدم مذاقه در آنها اشتباه است:
۱- احتمال رپوده شدن این فایل‌ها وجود دارد، همان‌گونه که طی سال‌های اخیر شاهد اتفاقاتی ضدامنیتی همچون ترورد دانشمندان هسته‌ای، لورفتن اسناد هسته‌ای از محل باپگانی‌شان و… بوده‌ام.وظیفه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی این است که پاسخگویی چنین اتفاقاتی باشند. حوادث یاد شده و به ویژه حادثه چند روز قبل در نظرنشان می‌دهد که نفوذ بیگانه در کشور ما می‌تواند جدی باشد و ضربات سنگینی را به ما وارد کند.
۲- در این‌گونه موارد که جنبه اشفاگری دارد اینکه افشاشده چه کسی است، یک موضوع است، اما جنبه دیگر آن، این است که اکنون که این فایل منتشر شده و تأثیر خود را خواهد گذاشت و امکان پاک کردن یا سانسور آن وجود ندارد. موضوعاتی که در این گفت‌وگو برای ثبت در تاریخ مطرح می‌شود مربوط به پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی و سیاست‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های وزیر خارجه‌ای است که باید اراده حاکمیت از طریق او متبلور شود. لذا این سخنان باید مورد توجه قرار گیرد و اینکه انتشار این قانونی یا غیرقانونی بوده نمی‌تواند از تأثیر آن در سیاست خارجی بکاهد. بنابراین، از این پس باید راهی برای علوچه شفاف‌سازی پیدا کرد که ظرفی در گفت‌وگوی خود از آنها سخن می‌گوید. مطالبه جدی افکار عمومی امروز توضیح مطالب مطرح شده از سوی مسئولان است و نظام باید در قبال این مهم پاسخگو باشد. غیرقانونی بودن این افشاشگری، نباید موجب تردید شده‌باشد و اگر اینکه انتشار داخلی شود؛ بلکه باید به دنبال یک «سیاست ملی» برای برخورد با این موضوعات و حل مشکلاتی که ظرفی از آنها گلایه کرده، باشیم و بهترین به‌راهی است که می‌تواند این اتفاق گرفته.
۳- باید پدیدند و گونه می‌توان برخورد کرد؛ یک راه همانی است که به ما مخالفان ظرفی اجازه دهیم سیاست تخریب را ادامه دهند و اوضاع را از اینکه هست پیچیده‌تر کنند. راه صحیح‌تر این است که این اتفاق در جهت منافع کشور و بازبینی در سیاست‌های کلی- البته با هماهنگی کلان نظام و اجماع عمومی و با عنایت به مذاکرات جاری- از جهت اتخاذ تصمیمات صحیح و رفع ابهامات افکار عمومی استفاده کنیم.
۳- بدانیم مردم مرکزی در نهاد ریاست‌جمهوری وجود دارد که تجربیات با ۴۱ ساله روز را گردآوری می‌کند تا وزرای بعدی از آن استفاده کنند. در دولت‌های مدرن تصمیمات بر مبنای «استمرار» اتخاذ می‌شود که در سیاست خارجی کاربرد فراوانی دارد و موجب وحدت رویه می‌شود. زمینه تحقق این منطبق هم وصل کردن تجربیات دولت‌های مختلف به یکدیگر است و سنت مستندسازی تجربیات وزرا در همین چارچوب صورت می‌گیرد. فایل صوتی دکتر ظرفی یکی از چندین سند موجود در این زمینه است. در دوران آقای هاشمی ایشان خاطرات خود را به صورت روزنوشت می‌نوشت که این در حال انتشار سالانه است. از دولت خاتمی قرار بر این شد که هر وزیر در پایان کار تجربیات خود را برای بهره‌برداری وزیر بعدی و ثبت در تاریخ منتشر کند. من در دولت احمدی‌نژاد نیز در نام‌نامه اما در دولت روحانی هم این کار ارزشمند صورت گرفته، اما نکته این است که زمان و مکان انتشار مصاحبه‌های یاد شده در اختیار اشخاص نیست. بنابراین باید سازوکاری وجود داشته‌باشد که چگونگی منتشر شوند. در سایر کشورهای جهان نیز برای انتشار اسناد محرمانه قانون و سازوکاری وجود دارد. به عنوان مثال در انگلستان اسناد محرمانه بعد از ۳۰ سال منتشر می‌شود؛ لذا همانطور که گفتیم، انتشار فایل یاد شده جنبه قانونی و اخلاقی ندارد.
۴- در کلیه تصمیم‌گیری‌ها در سطوح عالی کشور اختلاف‌نظر میان بخش‌های مختلف تصمیم‌گیر وجود دارد و نه نهایتاً این مقامات هستند که تصمیم گرفته و تدبیر امور می‌کنند، لذا اختلافاتی که آقای ظرفی در این فایل از آنها سخن می‌گوید امری غیر عادی و غیرعقلیمانی نیست و در بیشتر جلسات که با حضور سازمان‌های مختلف بر گزار می‌شود دیدگاه‌های مختلف وجود دارد که نهایتاً یک دیدگاه برای اجرا انتخاب می‌شود.
۵-اگر بخواهیم در مورد محتوای سخنان ظرفی اظهار نظر کنیم باید گفت در قسمت‌های از سخنان ظرفی که منتشر شده و یک ریتم منطقی را پیگیری کرده و در این فایل مشخص است که او در مواردی که تصمیماتی خلاف دیدگاه کارشناسی وزارت خارجه گرفته می‌شده حرفش را صراحتاً می‌زده و مصطلحات اندیشی‌آمیزی کرده که این امر قابل تضرع است و نشان از شرافقت حرف‌های ظرفی دارد. اینجاست که می‌توانیم تأکید کنیم حرف آتانی که ظرفی را «تسو» و «مسامحه‌کار» می‌خوانند، غلط است. در پایان به عنوان یک کارشناس وزارت امور خارجه که تأکید می‌کنم ظرفی وزیر خارجه‌ای است که به هیچ‌عنوان از اراده دیدگاه‌های کارشناسی و بیان مطالبات حرف‌های برای تحقق منافع ملی کوتاه نمی‌گردد است.

«مهدی مقدری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

واقع‌گرایی در سیاست خارجی میراث اصلاح طلبان است

مردم ایران از بی‌صدقاتی به‌سنوئه آمده‌اند

اندیشه اصلاح‌طلبی بدون مبارز بافسادبی‌معناست

جریان‌های اعتدالی در تله‌سازش کاری بی‌حاصل افتادند

نباید مردم و کنشگران بیرون از قدرت را سرزنش کنیم و مسئول این وضعیت بدانیم

رابطه معناداری میان اصلاح‌طلبی و کارآمدی نسبی در ۲۵ سال اخیر وجود داشته‌است

حکمرانی کارآمد باید مشارکتی اداره‌شود و مشارکت در حکمرانی نیازمند باز یگرانی خارج از دولت است

تردیدندارم آینده از آن اصلاح‌طلبان پیش‌رویی است که برای دستیابی به عدالت و آزادی در کنار مردم باقی می‌مانند



armanmeli.ir

آرمان ملی - عباس موسوی: مهدی مقدری از نسل جوانان اصلاح‌طلبی است که واقع‌بینی، احساس مسئولیت، دانش و تجربه سیاسی را برای اگذار به وضعیت بهتر برای ایران عزیز، سرلوحه کار خود قرار داده‌است. مقدری را می‌توان تراز تا نقلیلی یافته جنبش اصلاح‌جویانه جوانان ایران اسلامی دانست؛ چه آنکه از دوم خرداد بدین‌سو، سیاست‌اطلبانه‌تر از زندگی کرده‌است. عقلانیت و شعور منافع‌ملی محور را با شور و عواطف جوانی عجین کرده تا زندگی سیاسی‌اش ترجمان امید به بهبود اوضاع، توسعه کشور، عدالت و آزادی برای میهن اسلامی باشد. مقدری برخلاف بسیاری از مدعیان، اصلاحات را برای ایران می‌خواهد، نه برای مقام‌نان. این مهم را می‌توان از موضوع اصولی‌اش پیش، حین و پس از حضور در شورای شهر اصفهان در دوره جاری به وضوح مشاهده کرد. پیش از حضور در پارلمان شهر گنبد‌های فبیر زو‌ه‌ای، در لایه و سطوح مدنی، در تراز امید به جامعه جنبشی برای اصلاح امور کشورش‌های زیر بادی کرد، و وقتی به شورای شهر راه یافت اجازه‌نداد مطالبات مردم و جنبش حامی در جنبش حامی در حضورش؛ محصور بود؛ مطالبات مردم و اصلاحات هم‌زمان لزش‌های آفرینی سرنگونی طلبانه و شورای شهر منع شد نیز؛ از اصلاح‌طلبی عبور نکرد و همچنان راه صواب منافع و مصالح ملی را بی گرفت. وقتی از فعالیت در سیاست رسمی منع شد، فرصت را غنیمت شمرد و به ترجمه آثاری در جهت افزایش سطح آگاهی و دانش سیاسی، پرداخت. ایشان همچنان با ناگهی نگران، به‌رغم تحمل هزینه‌های فراوان در مسیر اصلاح‌طلبی، اصلاح‌طلبی را ه‌را نکرده و همچنان امیدوارانه در مسیر اصلاح‌امور، کوشاست. اکنون و آینده این مرز و بوم، نیازی مبرم به سیاست‌تجروزی مصطلحات اثمالی مقدری است. ایشان لنگر کارهای م‌یار هم‌زمان لزش‌های آفرینی سرنگونی طلبانه و یک‌دست‌خواهی اقتدارگرایانه‌اند. مقدری از روش‌های با‌اصول و دانش جریان اصلاحات است. اگر فرصت‌طلبی‌های باندا ب‌زانه، بخشی از گفت‌مان بهبودخواهی را تشکیل داده‌است، حضور امثال مقدری‌ها در برهه‌های حساس، حاکی از قدرتمندی گفت‌مان اصلاحات برای تحت‌تأثیر قرار دادن مناسبات سیاسی، اجتماعی کشور و افتادن روی ریل منافع ملی است. در ادامه، متن پاسخ‌های مقدری به پرسش‌های «آرمان ملی» را می‌خوانید.

اصلاحات که امروز در سطح جامعه جنبشی پشتیبان و حامی دولت هستند استوار نمی‌شود، این است که اصلاح‌طلبان از دوم خرداد بدین‌سو در عرصه سیاسی کشور کمابیش حضور داشته‌در عرصه‌های مختلف نقش آفرینی کرده و امروز در آستانه انتخابات ۱۴۰۰ همچنان از سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه سخن می‌گویند. این در حالی است که این رویه تأثیر موثری بر مناسبات سیاسی کشور نداشته‌است. این فرضیه را تاچه اندازه در دست می‌دانید؟ **عدم حضور اصلاح‌طلبان در قدرت چه تأثیری بر وضعیت کشور خواهد داشت؟ اصلاح‌طلبان با حضور در قدرت کدام‌شکل‌های سیاسی کشور را حل کرده‌اند؟**

من تا این حد بدبینانه به‌مساله نگاه نمی‌کنم. مصداقی و گزاره‌های فراوانی وجود دارند که نشان از تأثیر جریان اصلاحات بر مناسبات سیاسی ایران دارد، چه در بلوک قدرت و چه در سپهر سیاسی عمومی جامعه. این نمونه، به‌دیده‌های چون جرم‌هاجم، اهمیت نشان نداشتن انتخابات، گفت‌مان‌سازی درباره مطالعه آزادی و دموکراسی، شفافیت‌مهار فساد، پاسخگویی و نظار اینها ناشی از تأثیر رویکردهای اصلاح‌طلبانه است. از سوی دیگر، در سپهر سیاسی عمومی جامعه نیز این رویکرد نشان داده که جذابیت‌هایی برای بخشی از جامعه دارد. هر گاه مدعیان نسبی هم که انتخابات ازاد در کشور بر گزار شده، اندک آنچه چهره‌های کلیدی اصلاح‌طلبان درصداحت و حذف می‌شوند، باز هم لیست‌های اصلاح‌طلبان با مقبولیت همراه می‌شود؛ حتی در صورت شکست هم، رقیب‌های خودشادوش جریان تندرو و بنیادگرا بوده‌اند. بنگارید از یک پروژه نظرسنجی علمی رای شما گزاره بیابوم. در سال ۲۰۱۸ موسسه افکارسنجی راکی در پژوهشی، از ۸،۶۲۸ رزگسال در تونس، مصر، لبنان، فلسطین، اردن، عراق، عربستان سعودی، امارات، ترکیه و ایران نظرسنجی کرد. از پاسخ‌دهندگان در هر کشور خواسته شده بود سه اولویت برتر خود را از فهرست ده‌گانه اعلام کنند. در هشت کشور، از ۱۰۰ مرد پرسش شده، شرکت کنندگان از «گسترش فرصت‌های شغلی» به عنوان مهم‌ترین مسئله یاد کردند. نکته جالب توجه این است که نهایتاً در این کشورها، در تمام اصلاحات سیاسی در سه اولویت اصلی قرار گرفته‌است و تنها شرکت‌کنندگان در ایران و تونس، دموکراسی را در بین سه اولویت برتر خود قرار دادند. درواقع، چنین گزاره‌هایی بیابگر این است که جریان اصلاح‌طلبان نیز گزاره‌ها توسعه‌اصلاحات سیاسی و دموکراسی‌خواهی را تبدیل به بخشی از خواسته‌های مردم کنند، البته، این امر هم می‌دانم نیازهای اقتصادی و اشتغال گ‌کمان دفع‌ه‌های جدی مردم است و نمی‌خواهم جای این نیازها را جابه‌جا کنم. مردم می‌خواهند نتایج‌ان و رونق‌نشان را لایل نامکی و ناگ‌رامدی را می‌دانند. اینها باشرط‌نامتنی که رفتار و عمل بسیاری از به‌ظاهر اصلاح‌طلبانی که به دنبال منافع شخصی و نزدیکی با قدرت هستند، سبب شده در کارآمدی جریان اصلاحات از بین رفتن، درواقع، چنین هسنه و اصلاح‌طلبی مردم ایران به بی‌راهه کشانده‌شود. بدون شک، حضور اصلاح‌طلبان در قدرت یا به عبارتی یک‌دست شدن حکومت، شکاف حکمرانی و عدم توازن قدرت را در پی خواهد داشت. از آنجا که احزاب سیاسی در ساختار قدرت ایران بازیگر اصلی به شمار نمی‌آیند و مجال ساختاری و نهادی برای این‌افراهم نمی‌شود، حضور معدود اصلاح‌طلبان پیش‌رو در نهاد‌های چون دولت، مجلس و شوراها توازن قدرت ایجاد می‌کند و در شفافیت، پاسخگویی، نظارت، مهار فساد و دیگر شاخص‌های حکمرانی پیامد مستقیم‌دار حتی در جوامع پایدارموکراتیک نیز می‌باشد. از این جهت، حضور اصلاح‌طلبان در قدرت به مثابه دیدگاهی است که در حکمرانی حزب در قدرت حضور دارند و یک‌دست شدن حاکمیت معنادار د انگهی، تصمیم‌ها و کردار جریان رقیب اصلاحات در ایران نشان از تندروی، آرمان‌گرایی محض و بنیادگرایی ایدئولوژیک دارد. که در عصر جنبش‌های مدنی از توسعه‌پایدار است و محافظه‌کار و رویکرد اصلاح‌طلبی پیش‌رو در نهاد‌های دولتی، دولت‌های تازه که همه جریان‌های اصولگرا و تندرو از آن حمایت می‌کنند، نمایان‌تر از چهار سال و چهار ماه گذشته است. در این دوران، هم‌زمان با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، احزاب و گروه‌های سیاسی در حال ظهور هستند. این احزاب و گروه‌های سیاسی، سند، نگرانی‌های کارگری و صنفی، بازیگران اقتصادی همچون اتاق بازرگانی، نیروهای جنبشی و اندیشه‌گداه‌های مستقل یا بدخششی از ساختار خارج‌ی‌باشند. ولی دولت که زمینه‌ساز این بستر مشارکتی است حتی درون خودش هم فیلتر گذاشته و رئیس دفتر رئیس‌جمهور و برخی مشاورانش، دیگران را از عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دور نگاه‌اند. نتیجه همان اقتضای این ۹۸ می‌شود که بی‌ثباتی را بر ساختار حکمرانی ایران تحمیل و تعمیق کرد. دلیل این وضعیت به‌کارگیری افرادی است که نه برای اصلاح وضعیت ناسامان هنر و پرنامه‌ای دارند و هم از طیف‌های تندرو هستند که دل در گرو برنمه‌های دولت روحانی ندارند و سهم و جایگاه‌ها در قدرت ندارند این فضا بسبب دست‌مطلی یا بدخششی از ساختار خارج‌ی‌باشند. ولی دولت که زمینه‌ساز این بستر مشارکتی است حتی درون خودش هم فیلتر گذاشته و رئیس دفتر رئیس‌جمهور و برخی مشاورانش، دیگران را از عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دور نگاه‌اند.

بفشاری مورد نیاز ایران کنونی است. هربران کارآمدی که به عدالت‌محوری در توزیع درآمدها و امکانات بایبندند، می‌توانند به مردم‌پرای دستیابی به زندگی بهتر و ارتقای سطح آن یاری کنند و تلاش دارند تا آنجا که ممکن است مردم از منابع عمومی بدون گرفتاری لذت ببرند. نمونه اینها را در بسیاری از نظام‌های سیاسی لیبرال شاهدیم. نمی‌شود ما را از توده‌ها و طبقه متوسط جدید بخواهیم، اما در این‌سو‌های قدرت غش کنند، و رفاه و اقتصاد معیشتی اینها را به حال خودشان رها کنیم. بنابراین من رویکردی‌هایی را که اخیراً آقای محمدرضا جلالی‌پور و همکارانش دنبال می‌کنند کارآمد می‌کنم و از راسخه‌بهتری از اصلاح‌طلبی قدرت‌محور رویکرد غیرقابل انعکاف نظری‌هایی می‌دانم.

باکندستی و سلامت اقتصادی، وجه‌میزه اصلی اصلاح‌طلبان نسبت به رقیب بود، این در حالی است که برخی کارهای اصلاح‌طلب بدون وفاداری به اصول و مبانی اصلاح‌طلبانه، زمینه را برای پاک کردن این وجه‌میزه فراهم آوردند. امروز همچنان جامعه جنبشی حامی اصلاحات، کانون اصلی اصلاحات را از نظر اقتصادی سالم و باکندستی می‌داند، اما نسبت به حضور برخی افراد در سرگه اصلاح‌طلبان (در سطوح مختلف) که این‌ها صوبت‌سازی و زیر سوال بردن، سوالات جدی دارد. کاندز هبرنی اصلاحات برای رفع دفعه‌های جامعه جنبشی حامی، از میدان‌داری اینان چه اقداماتی در دستور کار دارند؟

به نکته درستی اشاره کردید. مساله مهار فساد که یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب است و همواره در کانون توجهات اصلاح‌طلبی در ایران بوده‌است، چرا که یکی از لایل توسعه‌یافتگی و بحران‌های کنونی ایران، موضوع فساد است. مهم‌ترین اثر آن که بدانیم مطالعات حکمرانی نشان داده‌اند اثبات کرده‌بر گاه یک درصد از معیار در شاخص مهار فساد به نسبت بهبودی برود، در یک بازه ۲۱۵ تا ۲۰۲ ساله تا سه برابر بر آمد کشورها. از افزایش خواهد داد، به عبارتی، رابطه معناداری میان مهار فساد و رشد در آمد کشورها وجود دارد. اینکه برخی در پوسته اصلاح‌طلبی و بنام وفاداری نسبت به اصلاح‌طلبانه وارد چرخه قدرت می‌شوند و اوله به‌فساد می‌شوند، را بنیادین‌با جریان اصیل و پیش‌روی اصلاح‌طلب یکی بدانیم. در عین حال، احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب باید رابطه حمایتی و تشکیلاتی خود را با این حلقه قطع کنند و به‌رچندل مهار فساد در رون‌تشکیلات و جریان سیاسی اصلاحات بشوند و در صورتی که یک حزب با چنین لگب و برجسی‌شاخته می‌شود، از دایره تصمیم‌گیری و برهم‌کنش از حضور در این جریان به دور باشد. مساله فساد باید خط قرمز اصلاح‌طلبی باشد و شفافیت در این خودشان شروع کنند. البته، شاخص اصلی حکمرانی نشان می‌دهد وضعیت مهار فساد در دولت‌مشت ساله اصلاح‌طلب خاتمی به مراتب بهتر از دولت بعدی بود و برچمداری اصلاح‌طلبان در این باره بی‌معناست. بنگارید این‌گونه بگوییم، اندیشه اصلاح‌طلبی بدون مبارزه با فساد می‌معناست. این رویکرد نیاز دارد، تا بهتر روز داده شود و خط‌های تحلیلیش بر طرف شود.

عوامل در دولت تدبیر و امید را در زمینه‌های سیاست خارجی، سیاست عملکرد و اقتصاد را چگونه از زبانی می‌کنید؟ به‌زعم شما دولت در پاسخ به مطالبات جامعه جنبشی حامی و بهبودخواه چگونه رفتار کرده است؟ واگذاری سیاست داخلی دولتی، که با حمایت اصلاح‌طلبان روی کار آمد، به شخصی که سابقه ضدانقلابی داشته‌است، چه تأثیری بر مناسبات داخلی و اصلاح‌طلبانه خواهد داشت؟

من معدل دولت نخست روحانی را قابل قبول می‌دانم. رای مردم در سال ۹۶ موید تعامیم است. اما همه‌شماره‌های اقتصادی و تجریمی که در ابتدای این دولت وجود داشت، در معقول‌ترین زمان ممکن هم‌تورم ۲۵ درصدی پایان دوره احمدی‌نژاد به ۱۰ درصد فروگاشته‌شد، هم‌برجام به نتیجه رسید، اما آرمش در بازار حاکم شد، هم احزاب و جریان‌های سیاسی که پس از ۸۸ در تنگنا بودند دواره به میدان آمدند، هم روابط خارجی ایران وارد دوره واقع‌گرایی شد. مردم اینها را خوب فهمیدند، که دولت برای اصلاح وضع اقتصادی که پس از ۸۸ در زده بود تلاش خودش را می‌کند و با آگاهی از این که دولت روحانی اصلاح‌طلب نیست، به‌حسین روحانی رای اعتماد دوباره داد. اما قدا اگر ترامپ به قدرت نرسیده بود و برجام را ناکند خود را تاکنون ادامه می‌داد ما لان در چنین دشواری و تنگنایهای اقتصادی و معیشتی نبودیم. البته همانند که جریان تندروی داخلی و برخی جریان‌های هسوسا با ترامپ و نتایج‌ها در این سرنورشت‌شکنند و دوست و دشمن این مساله را در ک کرده‌اند. اما در کنار به قدرت رسیدن ترامپ، دولت دوم روحانی در اندازه‌اداره کشور نبود. محافظه‌کاری کلینته‌دوم روحانی و ناگ‌رامدی ساختار، که برابر با سنجش‌های جهانی شاخص کارآمدی حکمرانی در زمره بدترین کشورهاست، دست به دست هم داده‌اند و این سبب‌وزری بر ایرانیان تحمیل شد. گفت‌مان توجیه‌پذیر، به ما نشان می‌دهد مسیر رشد اقتصادی توسعه کشور از رویکردهای توامان توسعه سیاسی، نهادی، فرهنگی و اقتصادی نشأت می‌گیرد. وزارت کشور روحانی کاهش توسعه عمل کرده‌است. حکمرانی کارآمد باید مشارکتی اداره‌شود و مشارکت در حکمرانی نیازمند بازگرانی خارج از دولت است. سازمان‌های مراجه‌دار، احزاب سیاسی، سند، نگرانی‌های کارگری و صنفی، بازیگران اقتصادی همچون اتاق بازرگانی، نیروهای جنبشی و اندیشه‌گداه‌های مستقل یا بدخششی از ساختار خارج‌ی‌باشند. ولی دولت که زمینه‌ساز این بستر مشارکتی است حتی درون خودش هم فیلتر گذاشته و رئیس دفتر رئیس‌جمهور و برخی مشاورانش، دیگران را از عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دور نگاه‌اند. نتیجه همان اقتضای این ۹۸ می‌شود که بی‌ثباتی را بر ساختار حکمرانی ایران تحمیل و تعمیق کرد. دلیل این وضعیت به‌کارگیری افرادی است که نه برای اصلاح وضعیت ناسامان هنر و پرنامه‌ای دارند و هم از طیف‌های تندرو هستند که دل در گرو برنمه‌های دولت روحانی ندارند و سهم و جایگاه‌ها در قدرت ندارند این فضا بسبب دست‌مطلی یا بدخششی از ساختار خارج‌ی‌باشند. ولی دولت که زمینه‌ساز این بستر مشارکتی است حتی درون خودش هم فیلتر گذاشته و رئیس دفتر رئیس‌جمهور و برخی مشاورانش، دیگران را از عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دور نگاه‌اند.

دوگانه‌های محافظه‌کاران‌دیکال، اصلاح‌طلبان عملکرد و واقع‌بین در برابر اصلاح‌طلبان خیال‌اندیش یا اصلاح‌طلبان قدرت‌محور –

سیاسی ۱۱

اصلاح‌طلبان جامعه‌محور را قبول دارید؟ به‌زعم شما آقای خاتمی نماینده کدام تعریف از اصلاح‌طلبی است؟

بله. این یک واقعیت که بیشتر به آن اشاره کردم. تجربه این دو دهه نشان داده جریان اصلاحات از طیف‌های مختلفی تشکیل شده‌است. بماند که برخی از اینها اصلا به دنبال اصلاح چیزی نیستند و فقط دوست دارند با امضای این برند سیاسی در قدرت بممانند. اما سوا‌ی از این دسته، گفتار و کردار این طیف‌ها نشان از تفاوت‌های معنادار در سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دارد. من دسته‌بندی آقای جلالی‌پور را پسندیدم و سوا‌ی از مصداقش، به‌درستی اینها را از یکدیگر تفکیک کرده‌است. آقای خاتمی به گمان من به طیف اصلاح‌طلبان پیش‌رو نزدیک‌است. هر چند به عنوان رهبر معنوی اصلاح‌طلبان باید طوری رفتار کند که دیگران را در زیر چتر خود گردهم آورد.

شما دویستان تان بارها اعلام کرده‌اید که اصلاحات را تنها راهبرد نجات کشور از مخاطرات و بحران‌های عدیده می‌دانید. این در حالی است که اصلاحات نه از طرف حاکمیت بر تأییده می‌شود و اخیراً و پس از مانع آفرینی‌های خارجی و داخلی و برخی رفتارهای مغایر با اصلاحات از سوی برخی اصلاح‌طلبان و نیز ناگامی‌های‌ها و ناگ‌رامدی‌های دولت و… مردم نیز به شدت از اصلاح‌طلبی فاصله‌گرفته‌اند. برای آشتی دو جنبه اصلاحات و حاکمیت و مردم، چه پیشنهادی دارید؟

تجربه اصلاحات در بسیاری از جوامع نشان داده که در ابتدا هیچ صاحب قدرتی آن را بر نمی‌تابد اما ناگزیر به اصلاحات شده‌اند. اینکه ما راه‌حل را در اصلاحات نهاده‌ی ساختاری و فرآیندی کشور می‌دانیم و برخی اینگونه نمی‌دانند و با تعامیر پوچ و بدون محتوا دنبال آرمان‌های خودشان هستند، از اصل موضوع نمی‌کاهد. درست است که هنوز اصلاحات مورد نظر ما تبدیل به برنامه‌مدمت ملی کشور نشده، باه سرنورشت برنامه توسعه ۲۰ ساله دچار شده که هیچ‌کس پس از دولت اصلاحات به آن پایبند نبوده، ولی این تنها راه نجات ایران است و در این زود هنگام‌ترین تعریف از اصلاح‌طلبی، تن به اصلاحات دهند، مگر آنکه در خدمت بیگانه باشند یا رویاها و آرمان‌های تحقق‌نیافتنی خود، ملت را نگویند. بخت را از امروز کنند. در مجموع، حاکمیت ناچار به آشتی با مردم است و روشش را خواهد فرمود. شک‌کنیکند مسئولان هستند که نیازمند هم‌راهی مردم و آشتی با آنها هستند و نباید مردم و کنشگران بیرون از قدرت را سرزنش کنیم و مسئول این وضعیت بدانیم.

اصلاح‌طلبان از آنجا که در یک حزب که در جنبه‌های آنتیک‌هد و از طیف‌های مختلف تعریف می‌شوند، در موارد مختلف نظرات، ناکتیک‌ها و استراتژی‌های گوناگون و بعضاً متضادی را مطرح می‌کنند، به تعبیری با مسئله تفذه‌های نا همگن و متضاد مواجه می‌شوند، به‌گونه‌ای که در این جنبه‌ها گسترده برخی اصلاح‌طلبی را روال‌مندسازی و بهبودخواهی در عرصه‌های مختلف، برخی گذر از وضع موجود به وضع مطلوب و برخی اصلاح‌طلبی را تلاش برای دموکراسی‌آینو تعریف می‌کنند. برخی خود را اصلاح‌طلب در روش و هدف، برخی دیگر خود را اصلاح‌طلب در روش و انقلابی در هدف… تعریف می‌کنند. به‌زعم شما جنباب آقای خاتمی به‌عنوان محور جریان اصلاحات با استخراج کدام مغزخ‌مشت‌رک می‌تواند کتبی اصلاحات را به‌سر منزل مقصود هدیفون کند؟

به گمانم خاتمی به‌عنوان رهبر اصلاحات باید با طیف‌ها و جریان‌هایی که رابطه معنادارتری با بخش‌های گسترده‌ای از جامعه دارند نزدیک‌تر باشد و اینها موضوع بنیاه و ناشونی نیست. برخی از این سوا‌سازها به‌قدری آشکار است که افراد غیر پیش‌رو می‌توانند محافظه‌کاران قدرت گرا را منعطف‌طلب از نیروهای سیاسی پیش‌رو تشخیص دهند. البته هر یک جریان سیاسی تنگناها و روابط دیگر را نیز می‌سنجد و از این بابت نباید زیاده‌ی را ایشان خرده گرفت. اما تردید ندارم آینده از آن اصلاح‌طلبان پیش‌رویی است که برای دستیابی به عدالت و آزادی در کنار مردم باقی می‌مانند و باهم‌زمان دیدگاه‌ها و زبان ملت و به‌مزهر جریان‌های جنبش‌های بیدار و پیش‌ران جامعه هستند. این بدان معناست که این طیف از قدرت‌گرا نیز کمابیش کندیلکنه‌گه فرسوش‌کنند. فرش‌ان از مردم به دست آورده‌یابنده اینها پاسخگو باشند. به عبارتی باید میان جنبش‌های اصلاح‌طلب و بهبودخواه آنها رابطه‌ی جامعه مدنی، نیروهای جنبشی ایرانی و همبستگی و شفافیت و مهار فساد، و از بگیرد؛ پیامدهای مثبت این روند، در دنیا مشهود و ملموس بوده و سبب گزاره‌های دموکراسی، پیروزی در یک هدف مشترک و دستیابی به حکمرانی دموکراتیک شده‌است. در کنار تک‌پا اینده دموکراسی که سال پیش ترجمه و منتشر کرده، به این نمونه و راحل‌ها اشاره کردم.

اصلاح‌طلبان بدون جلب اعتماد هم‌زمان ملت و حاکمیت نمی‌توانند در پیشرود برنامه‌های خود در تأمین و تقویت منافع و مصاحبت ملی موفق باشند. به‌زعم شما کدام استراتژی می‌تواند حاکمیت را به پذیرش اصلاحات و ملت را به پذیرش و حمایت از اصلاح‌طلبان متقاعد کند؟

می‌ت‌رید استراتژی مبتنی بر اعتماد مردم را پاسخ روحانی برای این پرسش نشان می‌دهد. این دلیل سلب اعتماد می‌شود و به تبع آن اصلاح‌طلبان با بنیادگرایان را در ناب‌رایی، ناگ‌رامدی، فساد و غیرشفاف بودن مسئولان می‌بیند. اینها، و پیش‌تر از اینها، سبب شده حکومت مشروعتیش را از دست دهد، مردم نیز ناخرسند و خسته شوند و دیگر کسبببایی و اعتمادناشان از دست بدهند. در چنین وضعیتی، میزان بی‌اعتمادی ملت‌ها از حکومت‌ها نشان از سلامت و درستی رفتار یک حکومت نیز دارد. وقتی از حکمرانی خوب صحبت می‌کنیم دقیقاً به دنبال رفع همین موانع و چالش‌هاست تا با برقراری حاکمیت قانون، دولت‌های کارآمد، تدبیرآمیز و پاسخگویی و شفافیت و مهار فساد، مردم دوباره به حکومت‌هاشان اعتماد کرده و به مثابه بازگر موثر در کشور حکمرانی می‌کنند. حکمرانی خوب به دنبال اصلاح نهاده‌های حکومتی است که ناگ‌رامدی خود را به مردم ثابت کردند، ولی از آنجا که نهادها میباید اصلاح را بپذیرند، در بسیاری از کشورهایی که در دو دهه اخیر در مسیر حکمرانی خوب گام برداشته‌اند شاهد این تحول مثبت هستیم. حکمرانی خوب قدرت را معادل، پاسخگو، مسئولیت‌پذیر و بی‌گناه می‌کند و مردم با اعتماد مردم بازسازی می‌شود و مشارکت آنها گسترده خواهد شد. اصلاح‌طلبان باید حکومتی خوب را به‌درستی درک کنند و شانس و تجربه‌های مرتبط با آن را برای یافتن مسیری که بنیادها و روندن‌های اصلاح کند، بیاموزند. یکی از نقطه‌ضعف‌های اصلاح‌طلبان اندانستنی یا ما کار نیستن تجربه‌های موفق و مشهود جهانی می‌دانم که اصولی بنیادین را به یادی می‌دهد تا برای کش‌های موثر ترمان به کار بندیم. بسیاری از اصلاح‌طلبان نیز همانند محافظه‌کاران به دنبال ایجاد دوباره چرخ هستند.

اصلاحات و انتلاف ۹۲ و ۹۶ را در کشکول تجارب خود دارند. از طرفی پیروزی نسبی و انتلاف ۹۲ و ۹۶ را در کشکول تجارب خود دارند. از طرفی برخی ناگ‌رامدی‌ها و ناگامی‌ب، خلف‌بعدها، خودی‌دیگری‌سازی‌های درونی و… نگرانی‌های جدی‌ای را در سطوح مختلف معتقدان، ملت‌زنان و حامیان جریان حامی‌سازی در کنار وجود بهبودخواه، آنتیک‌هد و دیگری‌سازی‌های بهبودخواهان عادی‌ساز اصلاح‌طلبان، اعتدالیون و اصولگرایان میان‌رو و غیر انتلاف‌طلب، که در کنار هم است ۸۴ پیامدهای مضطرب‌آمیزی که برای کشور دارد، بهم‌گردد. برای آنکه اصلاحات در سطح ملی و حکومت‌سازی و اعتمادسازی دوباره‌اش به باز یگران دیگری نیاز دارد. اگر این احساس نیاز را ندارد، که داستان دیگری است.

به نظر شما کدام سیاست اصولی و باکندستی گفت‌مانی می‌تواند اصلاح‌طلبان را در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ به اجاعی حاکمتری برساند که در آن اجماع در بالا و افتاع در بنده حامی را شامل‌شود؟

مردم ایران از ناگ‌رامدی و بی‌صدقاتی به‌سنوئه آمده‌اند، باید مساله کارآمدی حکومت یادداشت‌کنند. دولت دیگر نتواند انتخابی را همراه با صدقاتی که برای جامعه ملموس بسند، احیا دارند. باید پذیرند، به دلیل عدم‌باید اینها اصلاح‌طلبی اصلاحات همین است. مردم هم از دولت‌های خاتمی کارآمدی نسبی دیدند و هم از صدقات ایشان سرخشنند. برای همین است که با فراخوان ایشان در ۹۲ و ۹۶ پای صندوق‌رای آمدند و پیروز شدند.